

از تخیل به سوی خلاقیت

موانع خلاقیت در کودکان و راهکارهای پرورش آن

قلیچ بیجرانلو حسن

در تمام مراحل زندگی عوامل گوناگونی وجود دارند که از بدو تولد تا بزرگسالی خلاقیت فرد را با مشکل روبه‌رو می‌سازند. برخی از این عوامل جنبه‌ی روانی دارند و بعضی عوامل محیطی. عوامل محیطی شامل دو محیط خانه و مدرسه هستند. این عوامل، در خانواده در جریان تعامل کودک با والدین و محیط خانه پدید می‌آیند و در محیط مدرسه در اثر تعامل با معلم یا مربی و همسالان تأثیرات منفی بر خلاقیت وی می‌گذارند. نگارنده از عوامل اصلی روانی و محیطی، عامل محیطی را تأثیر گذارتر و مهم‌تر می‌داند و معتقد است که بر خلاقیت فرد بیشتر اثر می‌گذارد و شامل مدرسه و خانواده می‌شود. در مدرسه عواملی مانند:

۱. بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان
۲. روش تدریس سنتی
۳. عدم شناخت معلمان نسبت به کاوشگری و خلاقیت
۴. کمبود امکانات و وسایل لازم در مدارس برای فعالیت‌های خلاق
۵. نپذیرفتن روش و ایده‌های جدید
۶. بی‌توجهی به فعالیت‌های خارج از کلاس

در خانواده عواملی مانند؛ ایجاد رقابت میان کودکان از سوی والدین، انتقاد بیش از حد از کودکان توسط والدین، تأکید بیش از حد بر جنسیت کودک، برقراری قوانین خشک و دست‌وپاگیر در منزل، ناآشنایی والدین با مفهوم خلاقیت و تأکید بیش از حد بر هوش و حافظه‌ی کودک مانع پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود.

موانع پرورش خلاقیت در محیط خانواده و راهکارهای غلبه بر آن

۱. ایجاد رقابت بین کودکان
- رقابت میان کودکان وقتی پدید می‌آید که:
(الف) نوعی ارزیابی و رتبه‌بندی توسط والدین وجود داشته باشد.

اشاره

بررسی اهداف آموزش و پرورش در سطح جهان نشان می‌دهد که از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه تعلیم و تربیت افرادی است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش منطقی بیندیشند و به‌جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران خود مولد دانش، فناوری و فرهنگ مناسب برای زندگی مستقل در عصر دانایی باشند. موفقیت و پیشرفت انسان در گرو اندیشه‌های بارور، پویا و مؤثر است و همه‌ی افراد از ویژگی‌های مختلفی برخوردارند که باعث می‌شود بتوانند مهارت‌های خود را در راه‌های جدید به‌کار اندازند. همه‌ی کودکانی که به‌دنیای می‌آیند، دارای توانایی‌های بالقوه‌ی خدادادی‌اند. یکی از این توانایی‌ها روحیه‌ی «خودنمایی» است که از سال دوم کودکی بروز می‌کند و در پرتو همین روحیه، اختراعات، ابتکارات و پیشرفت‌های علمی و فنی به‌وجود می‌آید. اگر این توانایی نبود، هیچ‌گاه تمدن بشر تا این حد اوج نمی‌گرفت. براساس تحقیقات علم روان‌شناسی، بهترین زمان برای تربیت و شکوفا کردن استعدادها، دوره‌ی کودکی و نوجوانی است؛ چراکه تمام صفات اکتسابی و الگوهای رفتاری و عادات لازم در این زمان حاصل می‌آیند ولی عواملی در مراحل زندگی باعث عدم بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها می‌شود که به دو دسته‌ی فیز بولوژیکی و محیطی تقسیم می‌شود. در این مقاله سعی شده است موانعی که بیشتر تأثیر گذارند مورد بررسی قرار گیرند و راه‌ها و راهکارهای مقابله با این موانع ارائه شود.

راه کار: والدین باید در خانواده محیطی با آرامش و حالتی از آزادی

و شوخ طبعی فراهم کنند.

۷. تأکید بیش از حد والدین بر هوش و حافظه‌ی کودک

والدین ما بیشتر بر نمره‌ی کودک و انباشتن اطلاعات در ذهن او تأکید دارند، به صفت کمی و آماری تکیه می‌کنند و روان کودک را در نظر نمی‌گیرند که البته این روش راه تقویت حافظه نیست.

راه کار: باید به کودک فرصت داد تا از طریق آزمایش و ارائه‌ی نظرات و پیشنهادهای خود توانمندی‌های ذهنی و روانی‌اش را شکوفا کند که مهم‌ترین آن‌ها تفکر خلاق و کاوشگری است.

۸. نشناختن علایق و احساسات درونی کودک

فقط به حالت نظری و حافظه‌ی کودک و بالا بردن آمار قبولی دانش‌آموزان تکیه نکنید.

راه کار: دانش‌آموز را از طریق راهنمایی‌های مختلفی از جمله تست هوش و نقاشی کشیدن به راه اصلی و رشته‌ی مورد علاقه در حد توان و استعدادش سوق دهید.

۹. ناآشنایی والدین با مفهوم خلاقیت و بیهوده شمردن

تخیلات کودک

بعضی از والدین به علت نداشتن سواد و اطلاعات کافی نمی‌توانند برای شکوفایی و پرورش خلاقیت کودکان خود برنامه‌ریزی کنند و اقدام صحیح انجام دهند و اگر کودکان آن‌ها تخیل خود را به شکلی

(ب) پاداش یا جایزه در میان باشد.

وقتی دانش‌آموزان ببینند که کار تنها ارزش‌گذاری می‌شود، به هر نحو و راهی خود را به جایزه می‌رسانند و بیشتر این رقابت به ستیزه‌جویی بین کودکان منجر می‌شود. این کار باعث می‌شود آن‌ها از توانایی و استعدادهای واقعی خود استفاده نکنند و به بهتر انجام شدن آن کار توجه نداشته باشند.

راه کار: ما نباید برای هر کاری همیشه پاداش یا جایزه در نظر بگیریم. باید به دانش‌آموز بفهمانیم که ارزش کار برای خود اوست و لازم است یاد گرفتن برایش مهم باشد. این کار روز به روز باعث ایجاد انگیزه و خلاقیت در او می‌شود.

۲. وجود قوانین خشک و دست‌وپاگیر در منزل

بسیاری از والدین با قوانین خشک و محدودکننده فرزندان خود را به تدریج به رفتارهای تکراری و قالبی عادت می‌دهند و جلوی فعالیت‌های جانبی آنان را می‌گیرند و این‌گونه فعالیت‌ها را برای فرزند خود خطرآفرین می‌دانند.

راه کار: دانش‌آموزان چنانچه علاقه دارند باید با نظارت والدین فعالیت و کارهای خود را دنبال کنند تا به هدف مورد نظر خود برسند.

۳. انتقاد بیش از حد از کودکان به وسیله‌ی والدین

والدین دانش‌آموزان هر روز رفتارهای کودک را با پرسش‌های گوناگون مورد انتقاد قرار می‌دهند. مثلاً، می‌گویند: چرا امروز ۱۵ گرفته‌ای؟ امروز دیر به خانه آمدی؟!... این سؤال‌ها حالت ترس در دانش‌آموز ایجاد می‌کند و فرصت‌آبراز احساسات و تفکر را از او می‌گیرد.

راه کار: والدین باید کاری کنند که اعتمادبه‌نفس در فرزندانشان تقویت شود. لازمی خلاقیت داشتن آزادی و امنیت خاطر در محیط خانواده است.

۴. تأکید بیش از حد بر جنسیت کودک

در بسیاری از خانواده‌ها میان پسر و دختر تفاوت قائل می‌شوند و این تفاوت در کودکان تعارض ایجاد می‌کند و می‌تواند خلاقیت و تمایلات خلاقانه را سرکوب کند.

راه کار: وظیفه‌ی والدین این است که بین فرزندان خود تفاوتی قائل نشوند.

۵. توقع بیش از حد و تحمیل نقش بزرگ‌سالی به کودکان

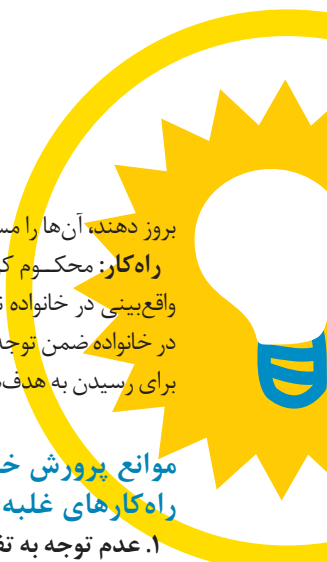
بسیاری از والدین علاقه‌مندند کودکان قبل از اینکه به رشد لازم برسند، رفتارهایی مشابه بزرگ‌سالان داشته باشند. تحمیل نقش‌های کاذب بزرگ‌سالی به کودکان روند رشد اجتماعی آنان را مختل می‌کند و باعث ایجاد رفتارهای تصنعی در آن‌ها می‌شود.

راه کار: وظیفه‌ی والدین این است که از این تحمیل پرهیز کنند.

۶. نبودن حس شادابی و شوخ طبعی در محیط منزل

شوخ طبعی در خانواده باعث ایجاد شادابی در کودکان می‌شود و رابطه‌ی مستقیمی با خلاقیت کودکان دارد. رفتارهای خشک و سرد در خانواده‌ها باعث عبوس و ناراحت ماندن کودکان می‌شود؛ به این ترتیب، کنجکاوی آنان را سرکوب و پنهان می‌کند. کودک رفتار پدر و مادر را برای خود الگو می‌داند و می‌گوید: «پس من هم باید مانند آن‌ها باشم».





بروز دهند، آن‌ها را مسخره و به آنان بی‌توجهی می‌کنند.

راه کار: محکوم کردن خیال‌پردازی کودک و وادار نمودن او به واقع‌بینی در خانواده نگرشی اشتباه و آفتی جدی است والدین باید در خانواده ضمن توجه به احساسات و تخیلات فرزندان خود، آن‌ها را برای رسیدن به هدف‌هایشان راهنمایی و کمک کنند.

موانع پرورش خلاقیت در محیط مدرسه و راه کارهای غلبه بر آن

۱. عدم توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

در نظر نگرفتن این واقعیت که هر دانش‌آموز در حالی که ویژگی‌های مشترکی با دانش‌آموزان دیگر دارد، شخصی منحصر به فرد و دارای استعداد و علایق و نیروی ویژه‌ی خود است. در نظام فعلی معلمان به همه‌ی دانش‌آموزان نگرشی یکسان دارند.

۲. روش تدریس سنتی و مبتنی بر معلم‌محوری

در روش‌های تدریسی که بیشتر مبتنی بر سخنرانی و مهارت‌های کلامی است و معلمان نقش محور را بازی می‌کنند، دانش‌آموزان مشارکت کمتری دارند.

راه کار: باید از آن دسته از روش‌ها و مهارت‌های تدریس استفاده شود که تحرک و پویایی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. لازم است دانش‌آموزان کار گروهی در کلاس درس را بیاموزند و معلم نقش

راهنما را داشته باشد.

۳. ناآشنایی معلمان با خلاقیت

در بسیاری موارد آشنا نبودن معلم یا مربی با شیوه‌های پرورش خلاقیت شاگردان، خود مانعی بزرگ به‌شمار می‌آید.

راه کار: آموزش و پرورش باید دوره‌هایی برای آشنایی معلمان با راه‌های شناخت استعداد‌های خلاق دانش‌آموزان در نظر بگیرد و آن‌ها را در این دوره‌ها با این‌گونه مسائل آشنا سازد.

۴. نبود حداقل امکانات و وسایل لازم برای فعالیت‌های خلاق در مدرسه

آموزگاران با صرف کمی حوصله و تغییر در روش تدریس می‌توانند باعث بروز خلاقیت در بعضی از دانش‌آموزان شوند ولی به‌دلیل کمبود سرانه در مدارس و نبود وسایل کمک‌آموزشی و آزمایشگاه مناسب، حس کاوشگری از دانش‌آموزان گرفته می‌شود.

۵. دادن تکالیف درسی زیاد به دانش‌آموزان آنان را مجبور می‌کند تمام وقت و نیروی خود را صرف انجام تکالیف مدرسه کنند.

راه کار: خلاقیت و کاوشگری نیازمند آرامش فکری و روانی است.

۶. نپذیرفتن روش‌ها و ایده‌های جدید

استفاده از روش‌های تکراری و تفکر کلیشه‌ای مانع پذیرش تفکرات نو می‌شود. اگر دانش‌آموز در کلاس روش نو و خلاق ایجاد کند و هیچ حرکت و تشویقی از طرف دانش‌آموزان و معلم نبیند، برای او مأیوس‌کننده است و مجبور می‌شود او هم مانند بقیه رفتار کند و انگیزه‌اش از بین می‌رود.

نتیجه‌گیری

همه‌ی کودکانی که به دنیا می‌آیند، دارای توانایی‌های بالقوه‌ی خدادادی‌اند. یکی از این توانایی‌ها روحیه‌ی خلاقیت است که از سال دوم کودکی بروز می‌کند.

به هنگام ساختن اسباب‌بازی یا چیزهای دیگر والدین باید دقت کنند که دخالت آنان در کارهای کودکان هر اندازه کمتر باشد بهتر است. برای مثال، اگر کودکی مشغول ساختن اسباب‌بازی است، نباید والدین به بهانه‌های مختلف عقاید و سلیقه‌ی خود را به کودک تحمیل کنند. بهتر است او را آزاد بگذارند تا بتوانند تصورات، تخیلات و ابتکارات خود را به‌طور طبیعی نشان دهد. والدین باید علاوه بر تهیه و خرید اسباب‌بازی‌های مناسب زمینه‌ی سازندگی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری کودک را فراهم کنند. هیچ لزومی ندارد که کاردستی مبتکرانه‌ی کودکان، زیبا، کامل و بدون نقص باشد. تأکید ما باید بیشتر بر فرایند انجام کار باشد تا نتیجه‌ی آن. برای تقویت حس کنجکاوی و خلاقیت بچه‌ها باید به آن‌ها فرصت اشتباه کردن داد و سپس با احترام گذاشتن به ایده و نظر آن‌ها درصدد تصحیح خطایشان برآمد. با توجه به تحقیقات انجام شده دانش‌آموزانی که استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری دارند، انگیزه‌ی درونی بیشتری برای انجام کار دارند و پیشرفت خلاقیت در آنان قابل ملاحظه است.

